

واکاوی کیفی توانمندسازی زنان در کنترل آسیب‌های اجتماعی

معصومه باقری*، محمدرضا حسینی**، نرگس خوش‌کلام***

چکیده

تحقیق حاضر با هدف مطالعه نقش توانمندسازی زنان در کنترل آسیب‌های اجتماعی و ارائه الگوی کارآمد بومی انجام شده است. بدین جهت با اتخاذ رویکرد کیفی و با روش نظریه‌ی زمینه‌ای با ۳۰ نفر از زنان شهرستان بروجرد از طریق نمونه‌گیری هدفمند و با حداکثر تنوع، مصاحبه‌های عمیق و ساختاریافته انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد «توانمندسازی پایدار زنان» تحت تأثیر شرایط علی (شامل همه ابعاد توانمندی)، شرایط زمینه‌ای (با متغیرهای زمینه‌ای فردی، متغیرهای زمینه‌ای خانواده‌ی پدری، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و معلولیت جسمی) و شرایط مداخله‌گر (با زیرمجموعه‌های ویژگی‌های روان‌شناختی فرد، حمایت نهاد خانواده، تعامل با الگوی توانمند، ساختارها و فعل و انفعالات آن‌ها، سیاست‌گذاری چندبعدی، بلندمدت، پژوهش‌محور و عدالت‌گرایانه در حوزه‌ی زنان و وحدت سازمان‌های مسئول) می‌باشد و زنان در زمینه آسیب‌های اجتماعی راهبرد کنترل وضعیت را اتخاذ کرده‌اند که پیامدهایی نظیر کنترل در سه سطح شامل: سطح کلان (پژوهش و نظریه‌سازی، طراحی و قانون‌سازی)، سطح میانی (آموزش و فرهنگ‌سازی، اجرا و عملیاتی‌سازی، ارزیابی و اصطلاح‌سازی) و سطح خرد (خود-دیگر مراقبتی و ایمن‌سازی و خود توانمندی و دیگر-توانمندسازی) را در پی داشته است.

واژگان کلیدی

توانمندسازی زنان، توانمندسازی پایدار، آسیب‌های اجتماعی، الگوی توانمند، ناپهنجاری اجتماعی، نظریه‌ی زمینه‌ای.

*. دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (m.bagheri@scu.ac.ir).

**دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی (ره)، بروجرد، ایران (m.hosseini@abru.ac.ir).

***دانشجوی دکتری گروه علوم اجتماعی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران (نویسنده‌ی مسئول) (n-khoshkalam@stu.scu.ac.ir).

۱- مقدمه و بیان مسئله

بر اساس تعریف دایرةالمعارف علوم اجتماعی، هر پدیده‌ی نامطلوب و مضر در سلامت جامعه (نظیر جرم و جنایت و...)، آسیب اجتماعی نام دارد. مفهوم آسیب‌شناسی از علوم زیستی گرفته شده است. مطالعه‌ی بی‌سامانی و آسیب‌های اجتماعی مانند فقر، بیکاری، تبعیض و... همراه با علل و عوامل و شیوه‌های درمان آن‌ها و همچنین شرایط بیمارگونه و ناپهنجار اجتماعی را آسیب‌شناسی اجتماعی گویند (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۵۹). به‌طور کلی آسیب اجتماعی به هر نوع عمل فردی و جمعی اطلاق می‌شود که در چهارچوب اصول اخلاقی و قواعد عمل جمعی رسمی و غیررسمی جامعه قرار نمی‌گیرد و در نتیجه با پیگرد قانونی، تکفیر اخلاقی و طرد اجتماعی مواجه می‌شود (عبدالمهی، ۱۳۹۴: ۱۵). در واقع آسیب‌شناسی اجتماعی، مطالعه‌ی ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی نظیر بیکاری، فقر، اعتیاد، خودکشی، می‌خواری، ولگردی، زورگیری، گدایی و... همراه با علل و شیوه‌های پیشگیری و درمان آن‌ها و نیز شرایط بهینه‌ی اجتماعی است (ستوده، ۱۳۹۹: ۴۳). به اعتقاد جامعه‌شناسان، آسیب‌های اجتماعی در تمام اعصار و جوامع وجود داشته است، لیکن در برخی از شرایط با گسترش دامنه‌ی این آسیب‌ها معضلاتی ایجاد می‌شود که تداوم حیات اجتماعی را به خطر می‌اندازد. علائم هشداردهنده‌ای همچون افزایش نرخ ارتکاب به جرائم و تنوع آن‌ها با توجه به رشد جمعیت، کاهش سن ارتکاب به جرائم در میان زنان و ارتکاب علنی بسیاری از جرائم علیه اخلاق و عفت عمومی نشان می‌دهد که سنگ بنای اجتماع یعنی خانواده و نیز قشر زنان به‌عنوان مادران آینده و پرورش‌دهندگان نسل آتی در معرض آسیب‌ها و تهدیدات جدی قرار دارد. با توجه به تعریف مفهوم توانمندسازی به‌عنوان هموار نمودن راه خود یا دیگران برای تلاش در جهت دستیابی به اهداف شخصی و فرآیند کسب مهارت برای پیشرفت و غلبه بر مشکلات (ابوت و والاس، ۱۳۸۰: ۸۱)، می‌توان به بحث توانمندسازی زنان و نقش بسزای آن‌ها در کنترل آسیب‌های اجتماعی پرداخت. «توانمندسازی زنان در حقیقت به این معنی است که آن‌ها بر شرم بی‌مورد خود فائق آیند؛ کردار و گفتارشان حاکی از اعتمادبه‌نفس باشد؛ قادر به ارزیابی صحیح و شناخت واقعی خویشان باشند؛ به استعدادها و محدودیت‌های درونی خویش آگاه باشند؛ قدرت رویارویی با دشواری‌ها را داشته باشند و در رفع آن‌ها بکوشند؛ از اهداف موردنظر و توان عملی ساختن آن شناختی دقیق داشته باشند؛ از توانایی و قابلیت نیل به هدف‌های خویش برخوردار باشند و بتوانند با افزایش توانمندی خویش به هدف‌های موردنظر دست یابند» (کتابی و همکاران، ۱۳۸۲ به نقل از فرخی، ۱۳۷۶: ۷۶).

با توجه به ماهیت مسئله‌ی تحقیق و ضرورت کشف زوایای پنهان این پدیده لازم است در مطالعه‌ای کیفی نظریات مربوط به توانمندسازی زنان با توجه به بافت جامعه‌ی بومی ایران توسعه یابد. براین اساس در این پژوهش تلاش می‌شود، با شناسایی این فرایند گامی مؤثر در جهت توانمندسازی زنان و کنترل آسیب‌های اجتماعی برداشته شود.

۲- پیشینه‌ی پژوهش

در میان پژوهش‌های داخلی، نتایج پژوهش پیمایشی غیاثوند و عماری (۱۳۹۱) در میان زنان مراجعه‌کننده به مجموعه‌های شهربانو در مناطق ۱، ۲، ۸ و ۱۴ شهرداری تهران نشان داد که احداث مجموعه‌های فرهنگی ویژه بانوان توانسته است، توانایی‌ها و مهارت‌های زنان استفاده‌کننده از این مجموعه‌ها را در ابعاد فردی، خانوادگی، حرفه‌ای و اجتماعی گسترش دهد. محمد پور و همکاران (۱۳۹۱) نیز در نتیجه‌ی پژوهش کیفی خود نشان دادند، با وجود تلاش‌های فراوان سازمان‌های بهزیستی و کمیته امداد، بسیاری از اهداف کاهش فقر زنان سرپرست خانوار به دست نیامده است. نگاه ساختاری به فقر، تمرکز بر انبساط سازمانی، نبود تعریف اهداف بلندمدت فقرزدایی، حمایت‌های جزئی و کم تأثیر، کم‌توجهی به ابعاد ذهنی و فرهنگی تولید و بازتولید فقر و فرهنگ مرتبط با آن از موانع مؤثر این سازمان‌ها در دستیابی به اهدافشان است. تاج‌الدین و رحمتی والا (۱۳۹۳) در پژوهشی پیمایشی نشان دادند که متغیرهای برنامه‌های آموزشی، پیام‌های تبلیغاتی، برنامه‌های اوقات فراغت، افزایش آگاهی و الگوسازی رسانه‌ی ملی با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار رابطه‌ی معناداری دارند. منتظر قائم و شعبان کاسه‌گر (۱۳۹۴) در پژوهشی پیمایشی نشان دادند که فضای مجازی شرایط لازم برای مشارکت زنان فارغ از برخی محدودیت‌های دنیای واقعی را فراهم می‌کند که این امر می‌تواند به توانمندی فردی بیانجامد. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد، متغیرهایی همچون هدفمندی فعالیت، میزان آشنایی نسبت به زنان فعال، میزان فعالیت و سواد رسانه‌ای انتقادی در بخش مصرف و تولید، توانمندی زنان در استفاده از فضای سایبر را افزایش می‌دهد. یافته‌های پژوهش کیفی فلاح و پاشایی نیا (۱۳۹۹) حاکی از آن است که برای ورود موفق زنان کارآفرین به حوزه‌ی کارآفرینی اجتماعی می‌بایست به عوامل «توانمندسازی چندگانه» با شاخص‌های «تحریک‌کننده‌ها» و «تسهیلگرها» و عوامل «ظرفیت‌سازی پویا» که دربرگیرنده‌ی «تشبیت‌کننده‌ها» و «بسترسازی» است توجه کرد، زیرا این اقدامات موجب «خلق ارزش اجتماعی» از طریق «حمایت‌سازها»، «هنجارهای اجتماعی» و «هم‌افزایی اجتماعی» می‌شود. نتایج پژوهش پیمایشی حاجیلو و همکاران (۱۳۹۹) در میان زنان سرپرست خانوار شهر چالدران

نشان داد، «عوامل اجتماعی»، «عوامل اقتصادی» و «عوامل روان‌شناختی» از اصلی‌ترین عوامل مؤثر در توانمندسازی زنان سرپرست خانوار هستند. همچنین بیشترین تأثیر مربوط به زیر مؤلفه «خودآگاهی» با ضریب تأثیر ۰/۹۱۲ بوده است و زیر مؤلفه‌های «توانایی بازپرداخت بدهی» و «کسب درآمد» نیز در اولویت‌های بعدی قرار داشته‌اند. بنابراین از آنجاکه خودآگاهی ابعاد درونی و بیرونی دارد، تقویت ظرفیت‌های روحی و اعتمادبه‌نفس زنان سرپرست خانوار باید با مهارت‌آموزی و افزایش توانایی‌های تجربی آن‌ها همراه شود تا به سطح مقبولی از توانمندی دست یابند.

در میان پژوهش‌های خارجی مرتبط با موضوع توانمندسازی زنان، نتایج پیمایشی محمود و همکاران در مناطق روستایی بنگلادش نشان داد که در دسترس بودن امکاناتی همچون ثروت خانواده، عزت‌نفس، آزادی تحرک و امکان درس خواندن در توانمندسازی زنان مؤثرند (Mahmud & et al, 2012). گاریکیپاتی^۱ در پژوهشی پیمایشی در روستاهای هند به این نتیجه رسید که وام‌هایی که زنان روستایی می‌گیرند، معمولاً برای افزایش مالکیت مردان و دارایی‌های خانواده استفاده می‌شود و بانوانی که کنترل این منابع مالی در دست خودشان است، قادر به خوداشتغالی و افزایش توانمندی خود می‌باشند (Garikipati, 2012).

الشیخ و الامن^۲ نیز در پیمایشی نشان دادند که توانمندسازی زنان روستایی تحت تأثیر دسترسی به خدمات مالی و فرصت‌های تولید و آموزش و پرورش قرار دارد (Elsheikh & Elamin, 2013).

پیمایش دهال^۳ در کشور نیپال نشان داد، با استفاده‌ی مناسب از رسانه می‌توان خشونت علیه زنان را کاهش داد و گامی به‌سوی توانمندسازی و قدرتمند ساختن زنان برداشت (Sudhamshu Dahal, 2013). پیمایش ابایومی و ابادات^۴ در نیجریه نیز نشان داد، دسترسی نداشتن به تسهیلات اعتباری، دسترسی نداشتن به زمین‌های کشاورزی و محدودیت‌های محیطی، دسترسی نداشتن به اطلاعات، نبود برنامه‌های آموزشی مناسب و نبود ظرفیت‌سازی از سوی سازمان‌های غیردولتی، جزء موانع توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی هستند (Abayomi & Abadat, 2014). فرخ و اختر^۵ در پژوهشی پیمایشی در پاکستان نشان دادند، بین استفاده از رسانه و برقراری ارتباط مثبت با دیگران و نقش مؤثر رسانه‌ها در توانمندسازی زنان رابطه‌ی مثبتی وجود دارد (Farrukh

1 - Garikipati

2 - Elsheikh & Elamin

3 - Sudhamshu Dahal

4 - Abayomi & Abadat

5 - Farrukh & Akhtar

(Akhtar, 2014 &). شارانگا و همکاران^۱ در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که زنان سرپرست خانوار نسبت به زنان تحت تکفل سطوح بالاتری از اقتصاد، توانمندسازی سرمایه‌ی فیزیکی، روانی و مهارت‌های مدیریتی را دارند (Sharaunga et al, 2016). ورما^۲ نیز در پژوهشی در هند به این نتیجه دست یافت که با وجود بار اقتصادی سنگین بر دوش زنان در بخش‌های مختلف اقتصاد روستایی، آن‌ها با محدودیت‌ها و موانع ساختاری مانند تحرک، کاهش فضای اجتماعی و... روبه‌رو می‌شوند (Verma, 2016). هویس و همکارانش^۳ با مرور تحقیقات انجام‌شده در هلند درباره‌ی تأثیر خدمات مالی خرد در جنبه‌های مختلف توانمندسازی زنان یک مدل سه‌بعدی از توانمندسازی زنان طراحی و پیشنهاد کرده‌اند توانمندسازی زنان در سه بعد متمایز انجام شود: (۱) سطح خرد، با اشاره به باورهای شخصی افراد و همچنین اعمال که در آن توانمندسازی شخصی مشاهده می‌شود، (۲) سطح میانی، با اشاره به باورها و همچنین اعمال در رابطه با دیگران مرتبط که در آن توانمندسازی رابطه‌ای را می‌توان مشاهده کرد و (۳) سطح کلان، با اشاره به نتایج در زمینه‌ی اجتماعی گسترده‌تر که می‌توان در آن توانمندسازی اجتماعی را مشاهده کرد (Huis & et al, 2017).

۱۵۱

همان‌طور که از مرور برخی پژوهش‌های پیشین مرتبط با موضوع برمی‌آید، این پژوهش‌ها عموماً با استفاده از روش کمی پیمایشی انجام‌شده و تنها بر ابعاد خاصی از توانمندسازی یا قشر خاصی از زنان مانند زنان روستایی، زنان سرپرست خانوار و... متمرکز هستند. همچنین این تحقیقات عموماً یک‌سویه و به‌گونه‌ای بوده‌اند که یا عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان یا تأثیر توانمندسازی زنان را بررسی نموده‌اند و هیچ پژوهشی رابطه‌ی میان توانمندسازی و آسیب‌های اجتماعی زنان را بررسی نکرده است. درحالی‌که تحقیق حاضر به شیوه‌ی کیفی به دنبال کشف ابعاد پدیده توانمندسازی و ارائه‌ی یک الگو از علل و پیامدهای آن برای زنان ایرانی در کنترل آسیب‌های اجتماعی است.

۳- ملاحظات نظری

در حوزه‌ی توانمندسازی زنان نظریات مختلفی مطرح شده است که دارای رویکردهای غیربومی است. سارا لانگه^۴ ضمن تأکید بر این ایده که برابری (جنسیتی) می‌بایست موضوع قانونی هرگونه برنامه‌ی توسعه‌ای درباره‌ی مسائل زنان باشد، مدلی پنج سطحی به‌عنوان مبنایی برای سنجش سطح توسعه‌یافتگی زنان در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی و اقتصادی ارائه می‌کند که سطوح

1- Sharaunga et al.

2- Verma

3- Huis & et al.

4- Sara H. Longwe

آن عبارت‌اند از: رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل (لانگه، ۱۳۷۲: ۷۲-۵۶). لین بنت^۱ معتقد است، توانمندسازی زنان و ادغام اجتماعی به‌طور توأمان به‌عنوان ابزارهایی برای تغییر روابط قدرت در جامعه و نیز ایجاد تغییرات لازم در سازمان‌های مقدم آن‌ها عمل می‌کنند، به‌گونه‌ای که نتیجه‌ی حاصل، دستیابی به برابری جنسیتی بیشتر در جامعه باشد (Bennett, 2002: 3). به عقیده‌ی نایلا کبیر^۲ توانمندسازی زنان به مفهوم گسترش توانایی آن‌ها برای اتخاذ تصمیمات کلان و راهبردی در زندگی و فراهم‌سازی زمینه دستیابی به توانایی‌هایی است که قبلاً از آن‌ها دریغ شده است (کبیر، ۱۳۸۹: ۱۵). لیندا مایوکس^۳ نیز سه پارادایم حاکم بر برنامه‌های توانمندسازی اقتصادی را از یکدیگر متمایز کرده است؛ کاهش فقر، خودکفایی پایدار مالی و پارادایم جنسیتی که در آن بر تغییرات بنیادین در نگرش‌های پشتیبان برنامه‌ها و اقدامات توسعه‌ای تأکید می‌کند به‌گونه‌ای که ضمن آگاهی‌بخشی و سازمان‌دهی به زنان، آن‌ها را در به چالش کشیدن محرومیت تحمیلی به‌واسطه‌ی تبعیض‌های جنسیتی یاری برساند (Mayoux, 2005: 3-5). فمینیست‌های لیبرال هم موقعیت پایین‌تر زنان را ناشی از کمتر بودن فرصت‌ها، فقدان یا اندک بودن میزان آموزش و پرورش و محدودیت‌های مربوط به محیط خانوادگی می‌دانند. آن‌ها معتقدند زنان باید همچون مردان حق تحصیل، استخدام، مالکیت و حمایت‌های قانونی داشته باشند (Valerie, 1999: 36). همچنین فمینیست‌های اصلاح‌گرا بر ایجاد فرصت‌های برابر برای زنان تأکید می‌کنند. آن‌ها معتقدند، اموری مانند مراقبت روزانه از بچه‌ها و انجام کارهای خانه باید به‌گونه‌ای باشد که زنان نیز بتوانند همانند مردان کار کنند و مردان باید طرز تلقی‌شان را نسبت به بچه‌داری، کارهای خانه و دیگر جنبه‌های وظایف سنتی زنان تغییر دهند (Sargent, 1999: 133).

پژوهش حاضر ضمن تحلیل جامعه‌شناسانه‌ی توانمندسازی زنان ایرانی در پی ارائه یک نظریه‌ی بومی منطبق بر بافت فرهنگی جامعه‌ی ایران است.

۴- روش پژوهش

این پژوهش با اتخاذ رویکرد کیفی و مبتنی بر روش نظریه‌ی زمینه‌ای انجام شده است. جامعه‌ی هدف پژوهش حاضر زنان شهرستان بروجرد بوده‌اند که برای دستیابی به نمونه‌های مورد مطالعه، از نمونه‌گیری هدفمند با معیار دارا بودن اطلاعات غنی درباره‌ی موضوع پژوهش و حداکثر تنوع از نظر

1- Lynn Bennett

2- Naila Kabeer

3- Mayoux

سن، وضعیت زناشویی، تحصیلی، شغلی، منطقه سکونت، وضعیت سرپرستی خانوار و نیز وضعیت تحت پوشش بودن از سوی نهادهای حمایتی انتخاب شدند. برای انتخاب افراد مصاحبه‌شونده و نمونه‌گیری نظری در مورد حجم نمونه از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. نمونه‌گیری نظری، نمونه‌گیری است بر مبنای مفاهیمی که ارتباط نظری آنها با نظریه‌ی در حال تکوین تأییدشده است (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۰: ۱۷۵). توضیح آنکه اغلب نمونه‌ها چندین مؤلفه از مؤلفه‌های مذکور را هم‌زمان داشتند؛ برای مثال زن روستایی میان‌سالی که همسرش فوت شده و خودش سرپرست خانوار بوده و در عین حال تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) است. فرآیند انتخاب نمونه و تحلیل داده‌ها تا اشیاع نظری و عدم دریافت داده‌ی جدیدی از مصاحبه‌ها ادامه داشت؛ بدین‌صورت که تعداد ۳۰ مصاحبه عمیق ساختاریافته انجام شد، لیکن از مصاحبه شماره ۲۴ داده‌ها کاملاً تکراری بودند. پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، مرحله کدگذاری در سه گام شامل کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد و در نهایت مدل پارادایم گراند تئوری استخراج و فرآیند تأثیرگذاری توانمندسازی زنان بر کنترل آسیب‌های اجتماعی آشکار شده است. در جدول شماره ۱ سیمای مشارکت‌کنندگان ارائه شده است.

جدول ۱: سیمای مشارکت‌کنندگان

متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
تحصیلات	بی‌سواد	۵
	دیپلم و زیر دیپلم	۱۳
	تحصیلات دانشگاهی	۱۲
وضعیت تأهل	مجرد	۸
	متأهل	۱۵
	بدون همسر (مطلقه، بیوه)	۷
وضعیت تکفل	تحت تکفل	۱۹
	خودسرپرست یا سرپرست خانوار	۱۱
وضعیت اشتغال	خانه‌دار	۱۳
	شاغل	۱۰
	بیکار، دانشجو و ...	۷
وضعیت سکونت	شهر	۱۸
	روستا	۱۲
جمع کل مشارکت‌کنندگان	۳۰	

به منظور تعیین اعتمادپذیری یا اعتبار در تحقیق حاضر از نظر اساتید و همچنین اعتبار اعضا استفاده شده است، بدین صورت که نتایج نهایی تحقیق به نمونه‌های مورد مطالعه بازگردانده و پس از تأیید مشخص گردید که تحقیق، اعتبار مطلوب را دارد (ایمان، ۱۳۸۸). انتقال‌پذیری یا پایایی نیز اگرچه در تحقیق‌های کیفی چندان موضوعیت ندارد، اما از طریق محاسبه «توافق درون موضوعی» حاصل شده است. بدین صورت که دو کدگذار سه مصاحبه (اول، دهم و هفدهم) را کدگذاری کرده و میزان تشابه کدگذاری‌ها یا همان درصد توافق محاسبه شده است و همان‌طور که جدول شماره‌ی (۲) نشان می‌دهد درصد توافق درون موضوعی کل ۸۰٪ است و در نتیجه تحقیق پایایی مطلوبی دارد.

جدول ۲: محاسبه‌ی پایایی

شماره مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی
اول	۹۶	۳۶	۱۰	٪۷۵
دهم	۸۷	۳۳	۱۲	٪۷۶
هفدهم	۶۸	۲۸	۸	٪۸۲
کل	۲۳۷	۹۰	۲۳	٪۸۰

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- شرایط علی

شرایط علی یا عوامل زمینه‌ساز بروز پدیده‌ی توانمندسازی پایدار، «توانمندی همه‌جانبه» است که شامل ابعاد توانمندی جسمی، روانی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حقوقی است. مقولات فرعی و اصلی شرایط علی در جدول شماره‌ی ۳ آمده است. بر اساس نتایج استخراج شده تنها زمانی توانمندسازی پایدار رخ می‌دهد که همه‌ی این شرایط به موازات یکدیگر فراهم شوند و زنان بتوانند در همه‌ی سطوح به توانمندی دست یابند. به عبارت دیگر، این ابعاد مکمل و متمم یکدیگر نیز هستند و تمرکز یک‌بعدی بر هریک از آن‌ها نه تنها به توانمندسازی پایدار منجر نمی‌شود، بلکه ممکن است آسیب‌زا نیز باشد.

جدول ۳: کدها و مقولات استخراج شده شرایط علی

مقوله‌ی اصلی	مقولات فرعی	کدهای اولیه (مفاهیم)
توانمندی همه‌جانبه	توانمندی جسمی	سلامت جسمی (دسترسی به تغذیه‌ی مناسب و مکمل‌ها، نیازهای بهداشتی، امکانات ورزشی)
		دسترسی به مراقبت‌های پزشکی زنان و داروهای خاص
		ایمنی و بهداشت محیط زندگی و کار
	توانمندی روانی	سلامت روانی (برخورداری از احساس امنیت، احترام، خود ارزشمندی، اعتماد به نفس و...)
		برخورداری از حمایت عاطفی
		دسترسی به جلسات مشاوره و کارگاه‌های آموزشی
	توانمندی اقتصادی	دسترسی به منابع مالی و تسهیلات
		دسترسی به بازار کار و فرصت‌های اشتغال
	توانمندی اجتماعی	سرمایه‌ی اجتماعی
		سلامت اجتماعی
		اعتماد و امنیت اجتماعی
	توانمندی سیاسی	آزاداندیشی و آزادی بیان
		دسترسی به حوزه‌ی عمومی و عضویت در احزاب و انجمن‌ها
		برخورداری از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در مناصب سیاسی
	توانمندی فرهنگی	دسترسی به مجموعه‌های فرهنگی ویژه بانوان
		دسترسی به آموزش و پرورش و تحصیلات دانشگاهی
		دسترسی به رسانه‌های نوشتاری و مطبوعات
		دسترسی به تولیدات فرهنگی و توانایی تولید فرهنگی
	توانمندی حقوقی	حمایت قانونی در قانون اساسی و قوانین حقوقی و کیفری

شریفه (۵۹ ساله، بیوه، سرپرست، زیر دیپلم، شاغل و ساکن در شهر) که خود در اداره‌ی بهزیستی کار می‌کند، درباره‌ی توانمندی جسمی می‌گوید:

بعضی از مادرای که ما بچه‌هاشون رو اینجا نگه می‌داریم خیلی از نظر جسمی ضعیفن زنی که ناتوان باشه چه جور می‌تونه بچه‌ی سالم به دنیا بیاره؟ چه جوری می‌تونه از اون بچه مراقبت کنه؟

اشرف (۵۱ ساله، متأهل، تحت تکفل، بی‌سواد، خانه‌دار و ساکن در شهر) درباره‌ی توانمندی روانی می‌گوید:

خیلی افسرده و ناراحتم بچه‌هام بزرگ شدن و رفتن پی زندگی خودشون، خیلی هنرهای دستی بلدم زنی که روح و روانش آرامش نداشته باشه نمی‌تونه هیچ کاری بکنه.

فهیمه (۳۲ ساله، متأهل، تحت تکفل، دکتر، خانه‌دار و ساکن شهر) درباره‌ی توانمندی اقتصادی می‌گوید:

من دکتر دارم ولی بیکارم چرا؟ چون شرایط اقتصادی برای اشتغال خانم‌ها فراهم نیست. حتی توی استخدام هیئت‌علمی یه نگاه مردسالارانه هست که زن‌ها رو میزارن وارد این عرصه بشن.

کتیبه (۲۸ ساله، مجرد، سرپرست، دیپلم، بیکار و ساکن در روستا) که به علت فوت پدر و مادرش سرپرستی خواهر و برادر کوچک‌تر از خود را بر عهده دارد و تحت پوشش کمیته‌ی امداد هستند، درباره‌ی توانمندی اجتماعی می‌گوید:

دوست دارم فامیل و مردم روستا ما رو تو جمع خودشون ببذیرن و پشتیبان ما باشن تا احساس بی‌کسی نکنیم.

فروزان (۲۸ ساله، متأهل، تحت تکفل، دیپلم، خانه‌دار و ساکن شهر) درباره‌ی توانمندی فرهنگی می‌گوید:

ما فرهنگ مون ایراد داره، مثلاً وقتی یه دختری از یه سنی رد میشه و ازدواج نکنه بهش میگن ترشیده، خود من دوست داشتم درس بخونم، سر کار برم ولی چون همه‌ی دخترای فامیل شوهر کرده بودن مجبور شدم با اولین خواستگار ازدواج کنم، چطور یه دختر تو همچین فرهنگی می‌تونه توانمند باشه؟

رودابه (۳۶ ساله، مطلقه، خودسرپرست، بی‌سواد، شاغل و ساکن شهر) که پرستار یک سالمند است، درباره‌ی توانمندی حقوقی می‌گوید:

من قبلاً تو به کارخونه کار می‌کردم. بیمه نبودم و مزدم هم خیلی کم بود، یه روز صاحب کارخونه خیلی راحت منو با تعداد زیادی از خانم‌های همکارم رو اخراج کرد. دستمونم به جایی بند نبود که شکایت کنیم. اگر زن‌ها حمایت قانونی داشته باشن و بتونن حق و حقوقشون رو بگیرن اون موقعست که می‌تونیم بگیریم توانمندن.

۲-۵- شرایط زمینه‌ای

انتخاب راهبرد «کنترل وضعیت» تحت تأثیر «شرایط زمینه‌ای» شامل شرایط فردی (سن، تحصیلات، شغل و میزان درآمد، وضعیت تأهل، وضعیت تکفل، تعداد و جنسیت فرزندان، وضعیت محل و منطقه‌ی سکونت) و شرایط خانوادگی پدری (سن ازدواج والدین، اختلاف سنی والدین با هم اختلاف سنی والدین با فرد، اختلاف سنی فرد با فرزندان دیگر، تعداد فرزندان خانواده، تحصیلات والدین، شغل و میزان درآمد والدین، محل و منطقه‌ی سکونت، وضعیت سرپرستی خانواده، وضعیت تأهل و حیات والدین و...)، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، و معلولیت جسمی افراد می‌شود که در جدول شماره‌ی ۴ آمده است.

جدول ۴: کدها و مقولات استخراج‌شده شرایط زمینه‌ای

مقولات اصلی	مقولات فرعی	کدهای اولیه (مفاهیم)
شرایط فردی	سن، تحصیلات، تأهل، تکفل، فرزندان، سکونت	سن، تحصیلات، وضعیت تأهل، وضعیت تکفل، تعداد و جنسیت فرزندان، محل و منطقه‌ی سکونت
شرایط خانوادگی پدری	سن، تحصیلات، تأهل، تکفل، فرزندان، سکونت، شغل، درآمد	سن ازدواج والدین، اختلاف سنی والدین با هم اختلاف سنی والدین با فرد، اختلاف سنی فرد با فرزندان دیگر، تعداد فرزندان خانواده، تحصیلات والدین، شغل و میزان درآمد والدین، محل و منطقه‌ی سکونت، وضعیت سرپرستی خانواده، وضعیت تأهل و حیات والدین
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	تحصیلات، شغل و میزان درآمد	تحصیلات، شغل و میزان درآمد
معلولیت جسمی	معلولیت جسمی	معلولیت جسمی

شرایط فردی بدین معناست که سن فرد چقدر باشد، جوان باشد یا سالمند، میزان تحصیلاتش چقدر باشد، مجرد باشد یا متأهل، شغل و تحصیلات والدینش چگونه باشد و... همگی در اینکه زنان بتوانند بر وضعیتی که در آن قرار دارند کنترل داشته باشند، مؤثر هستند. خدیجه (۶۵ ساله، بیوه، سرپرست، بی‌سواد، خانه‌دار و ساکن روستا) درباره‌ی تأثیر متغیرهای زمینه‌ای فردی می‌گوید:

من دیگه سن و سالی ازم گذشته دیگه مثل جوونیم سرحال نیستم زمین کشاورزی هم دارم دولت هم وام میده واسه دامداری و... ولی نمی‌تونم دیگه.

مریم (۳۲ ساله، مجرد، تحت تکفل، کارشناسی ارشد، دانشجو و ساکن شهر) درباره‌ی تأثیر متغیرهای زمینه‌ای خانواده‌ی پدری می‌گوید:

من درس خوندم به حدی رسیدم که بدونم با چه کسی ازدواج کنم که برام مناسب باشه ولی وقتی پدرم پیره و خانواده فقیری دارم خوب خیلی از گزینه‌های خوب رو از دست میدم و مجبورم نیومده ردشون کنم.

«پایگاه اقتصادی-اجتماعی» نیز متغیری است که از ترکیب سه متغیر شغل، درآمد و تحصیلات ساخته می‌شود. بر اساس گفته‌های مصاحبه‌شوندگان هرچه فرد یا خانواده‌اش پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالاتری داشته باشند، توانایی وی در کنترل وضعیت بیشتر خواهد بود. نسیم (۳۶ ساله، متأهل، تحت تکفل، دیپلم، خانه‌دار و ساکن شهر) در این رابطه معتقد است:

یه دختر وقتی از خانواده سطح بالایی باشه پدر و مادرش هر کدوم کارهای باشن پولدار باشن بالاشهر زندگی کنن خب اونم مثل اونا بار میاد و هر وقت بخواد کاری کنه که خودش تصمیمش رو گرفته خانواده‌اش حمایتش می‌کنن.

همچنین «معلولیت جسمی» می‌تواند در اتخاذ راهبرد فرد مؤثر باشد. گلرخ (۴۸ ساله، متأهل، تحت تکفل، کارشناسی ارشد، شاغل و ساکن شهر) که خودش معلم می‌باشد در این رابطه می‌گوید:

یکی از شاگردام که معلول بود خیلی دوست داشت رشته فنی بخونه درسشم خیلی خوب بود ولی می‌گفت مثلاً بخوام عمران بخونم یا مکانیک نمره‌هامم خیلی خوب باشه چه فایده وقتی نمی‌تونم حرکت کنم.

۳-۵- شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر شرایطی هستند که راهبرد اتخاذشده از سوی فرد را تسهیل یا تحدید می‌کنند. در این پژوهش در این خصوص مقولات و ویژگی‌های روان‌شناختی فرد، حمایت نهاد خانواده، تعامل با الگوی توانمند، ساختارها و فعل‌وانفعالات آن‌ها (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، حقوقی)، سیاست‌گذاری چندبعدی، بلندمدت، پژوهش محور و عدالت‌گرایانه در حوزه‌ی زنان و وحدت سازمان‌های مسئول استخراج شد که در جدول شماره‌ی ۵ آمده است.

جدول ۵: کدها و مقولات استخراج‌شده‌ی شرایط مداخله‌گر

مقولات اصلی	مقولات فرعی	کدهای اولیه (مفاهیم)
ویژگی‌های روان‌شناختی فرد	توانایی ذهنی تحلیل وضعیت	آرامش روانی
	توانایی ذهنی تغییر وضعیت	انگیزه و اراده
		اعتمادبه‌نفس
حمایت نهاد خانواده	حمایت عاطفی	محبت، احترام، آرامش‌بخشی
	حمایت جانبی	باری‌رسانی در انجام وظایف مرتبط با خانه و خانواده
تعامل با الگوی توانمند	شبکه‌های اجتماعی بانوان توانمند	ارتباطات بین فردی و گروهی چندجانبه با زنان توانمند
		شرکت در کارگاه‌های آموزشی
	ارتباط با بانوان کارآفرین	
ساختارها و فعل‌وانفعالات آن‌ها	ساختار اقتصادی	ثبات/رکود اقتصادی، توسعه‌ی اقتصادی، تحریم اقتصادی
	ساختار اجتماعی	همبستگی/گسیختگی اجتماعی

مقولات اصلی	مقولات فرعی	کدهای اولیه (مفاهیم)
ساختارها و فعل و انفعالات آنها ساختارها و فعل و انفعالات آنها	ساختار فرهنگی	فرهنگ سازی / سنت گرایی
	ساختار سیاسی	شفافیت / عدم شفافیت مناسبات سیاسی، پاسخ گویی / عدم پاسخ گویی به مطالبات سیاسی
	ساختار حقوقی	وجود قوانین حقوقی کارآمد / ناکارآمد، حمایت / عدم حمایت حقوقی
سیاست گذاری های چندبعدی، بلندمدت و پژوهش محور و عدالت گرایانه در حوزه ی زنان	برنامه ریزی چندجانبه	برنامه ریزی با توجه به جوانب مختلف نیازمندی های زنان
	برنامه ریزی بلندمدت	برنامه ریزی با توجه به پیامدها
		برنامه ریزی با نگاه به آینده
	برنامه ریزی عدالت گرایانه	برنامه ریزی عدالت محور نسبت به همه ی زنان جامعه
	برنامه ریزی پژوهش محور	حمایت از پژوهش های کاربردی آکادمیک و سازمانی
وحدت سازمان های مسئول	همکاری سازمان های ذی ربط	همرسانی بین سازمانی در اجرای برنامه ها
		بهره مند سازی بین سازمانی از دستاوردها
	هماهنگی سازمان های ذی ربط	پیشگیری از تداخل و تناقض بین سازمانی عملکردها
		تقسیم وظایف و جلوگیری از همپوشانی و دوباره کاری

«ویژگی‌های روان‌شناختی فرد» به انگیزه، اعتمادبه‌نفس و سایر ویژگی‌های روان‌شناختی اشاره دارد. ریحانه (۳۵ ساله، مجرد، تحت تکفل، دیپلم، بیکار و ساکن شهر) در این باره می‌گوید:

من شاغل بودم، حقوقم هم خوب بود، توی بیمارستان بودم وقتی بیماری کرونا شدت گرفت و هرروز خانواده‌های افرادی رو که به‌خاطر کرونا می‌مردن می‌دیدم دیگه انگیزه‌ی کار کردن تو اونجا رو نداشتم چون واقعاً حال روحیم خراب بود برای همین کارم رو رها کردم.

یک مورد دیگر از مقوله ویژگی‌های روان‌شناختی فرد، عدم «حمایت نهاد خانواده» می‌باشد که سبب می‌شود فرد نتواند آن‌طور که باید کنترل وضعیت را در دست بگیرد و اقدام مناسب را انجام دهد. سمانه (۳۴ ساله، متأهل، تحت تکفل، دیپلم، شاغل و ساکن شهر) در این باره می‌گوید:

فرض کنید من می‌خوام برم یه مهراتی برای خودم یاد بگیرم که بعداً به دردم بخوره، ولی اگه همسر منو حمایت نکنه و نزاره برم خوب نمی‌تونم به هدفم برسم.

«تعامل با الگوی توانمند» اشاره به این موضوع دارد که ارتباط با زنان توانمند در توانمندی دیگر زنان و راهبرد آن‌ها مؤثر است؛ چراکه هر زمان مانعی را بر سر راه راهبرد خویش احساس کنند از آن الگوی توانمند تأثیر پذیرفته و سعی می‌کنند همچون وی به راه خویش برای دستیابی به اهدافشان ادامه دهند. سکینه (۳۸ ساله، مطلقه، سرپرست، دیپلم، شاغل و ساکن در شهر) که در کارخانه‌ی بازیافت زباله کار می‌کند درباره‌ی تعامل با الگوی توانمند می‌گوید:

یکی از دوستانم هست که اونم شرایط منو داره خیلی قویه هیچ وقت، کم نیمازه بعضی وقتا که از فشار زندگی ناتوان می‌شدم باهاش صحبت می‌کردم باعث می‌شد بتونم دوام بیارم.

مقوله «ساختارها و فعل‌وانفعالات آن‌ها» به زیرساخت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و حقوقی جامعه اشاره دارد. این زیرساخت‌ها در صورتی که به گونه‌ی مطلوب عمل کنند، شرایط تسهیل اتخاذ راهبرد از سوی زنان را فراهم می‌کنند، در غیر این صورت مانعی بر سر راه اتخاذ راهبرد آن‌ها خواهند بود. هرگونه اختلال و دگرگونی در این زیرساخت‌ها بسته به سازنده یا مخرب بودن آن، اتخاذ راهبرد توسط زنان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و ممکن است آن را تسهیل یا تحدید کند؛ برای مثال تحولات سیاسی مانند انقلاب‌ها؛ حوادث غیرمترقبه مانند سیل، زلزله و شیوع بیماری‌های همه‌گیر مانند کرونا و به‌تبع آن پیامدهای آن‌ها بر ساختار اقتصادی و رکود و تورم و تحولات اجتماعی، می‌تواند بر نوع کنش زنان مؤثر باشد. از سوی دیگر، تغییرات مثبت فرهنگی همچون الگوسازی از توانمندی زنان در جامعه و حذف قوانین سخت‌گیرانه و دست‌وپا گیر

در رابطه با فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی زنان می‌تواند تأثیر مثبتی در نوع راهبرد آن‌ها داشته باشد؛ بنابراین به‌طور کلی هرگونه تغییر و دگرگونی در این ساختارها چه در سطح کلان و چه در سطح خرد می‌تواند در عملکرد زنان به‌عنوان زنان توانمند مؤثر باشد. نسترن (۳۴) ساله، متأهل، تحت تکفل، کارشناسی ارشد، خانه‌دار و ساکن در شهر) که خود مادر سه فرزند است می‌گوید:

همین کرونا خیلی تأثیر داشت؛ مثلاً بودن زن‌هایی که خودشون کارگاه‌های تولیدی داشتن ولی کارشون خوابید. خوب این دیگه به توانمندیشون ربطی نداره، بلکه شرایط جامعه جوری شده که کارشون تعطیل شد.

«سیاست‌گذاری چندبعدی، بلندمدت و عدالت‌گرایانه پژوهش‌محور در حوزه‌ی زنان» به چندین اصل مهم در رابطه با سیاست‌های مربوط به زنان اشاره دارد:

الف) هرچند برنامه‌ریزی‌ها و اهداف کوتاه‌مدت لازم است، اما چنانچه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی بلندمدت برای مسائل زنان انجام نشود، نتیجه‌ی برنامه‌های کوتاه‌مدت مقطعی خواهند بود و چه‌بسا پیامد منفی هم برای توانمندسازی پایدار داشته باشد؛ زیرا دستیابی به توانمندسازی پایدار و تداوم آن، نیازمند برنامه‌ریزی‌های بلندمدت است.

ب) از سوی دیگر، سیاست‌گذاری‌ها باید چندبعدی باشد و به‌همه‌ی ابعاد توانمندی زنان پردازد و نه اینکه بر بعد خاصی تمرکز یابد و از دیگر ابعاد غفلت شود؛ چراکه این‌گونه سیاست‌گذاری‌ها مانع از توانمندی همه‌جانبه‌ی زنان می‌شود.

ج) سیاست‌گذاری‌ها باید بر مبنای پژوهش باشند و به‌عبارت‌دیگر، پژوهش‌محور باشند تا با استناد به داده‌ها و تحلیل‌های پژوهشی بتوان، به‌طور مداوم آن‌ها را اصلاح و تعدیل نمود.

د) همه‌ی سیاست‌گذاری‌ها به‌ویژه آن‌هایی که مربوط به حوزه‌ی زنان هستند، باید به موضوع زنان و عدالت جنسیتی توجه خاص نمایند. هرگز نمی‌توان انتظار داشت که زنان بتوانند حتی در صورت توانمندی بدون وجود چنین توجهی به مسئله عدالت به کنش بهینه دست بزنند. الهام (۳۸) ساله، مجرد، خودسرپرست، کارشناسی ارشد، شاغل و ساکن در شهر) در رابطه با لزوم بلندمدت بودن سیاست‌گذاری‌ها می‌گوید:

گاهی برنامه‌ها و طرح‌های حمایتی برای حمایت از اشتغال و رفاه زنان سرپرست خانوار می‌دهند که چون مقطعی زودم‌اثر از بین میره به نظرم بهتره به قول اون ضرب‌المثل که میگه به جای ماهی بهم ماهیگیری یاد بده، سعی کنن با برنامه‌های بلندمدت زن‌ها رو برای همیشه توانمند کنن نه اینکه فقط یه مدت حمایت شون کنن بعد قطع بشه.

گلرخ (۴۸ ساله، متأهل، تحت تکفل، کارشناسی ارشد، شاغل و ساکن شهر) که خودش معلم است درباره‌ی لزوم پژوهش محور بودن سیاست‌گذاری‌ها می‌گوید:

ببینید مثلاً بعضی وقتا به طرح‌هایی میدن واسه حمایت از زنان شاغل که شغل دولتی دارن مثلاً مرخصی زایمان و... یا هر طرح حمایتی دیگه‌ای، خب بعدش که اجراش کردن باید بیان ببینن مؤثر بوده یا نه اینارو نظرسنجی کنن شاید اصلاً مؤثر نبوده یا اثر منفی داشته.

هما (۴۹ ساله، بیوه، سرپرست خانوار، بی‌سواد، شاغل و ساکن در روستا) که خود یک کارآفرین است و در عرصه‌ی صنایع‌دستی سنتی فعالیت دارد در رابطه با لزوم نگاه انسانی به استعدادها و توانایی‌های زنان و پرهیز از ضعیف‌پنداری زنان می‌گوید:

تا زمانی که این نگاه تو جامعه و تو برنامه‌ریزی‌ها هست که زن‌ها از مردا پایین‌ترن، به نظرم هیچ طرحی نمی‌تونه واقعاً زن‌ها رو توانمند کنه.

مقوله «وحدت سازمان‌های مسئول» به هماهنگی میان دستگاه‌ها و سازمان‌های مرتبط با بحث توانمندسازی زنان اشاره دارد. اگر در میان این دستگاه‌ها هماهنگی باشد، واضح است که زنان همواره در حالتی سرگردان میان این دستگاه‌ها در حال رفت‌وآمد هستند و هرگز در مطالبه‌ی حق و حقوق خود به نتیجه نخواهند رسید و نمی‌توانند توانمندسازی پایداری را به فعلیت برسانند. زهره (۳۳ ساله، متأهل، تحت تکفل، کارشناسی ارشد، خانه‌دار و ساکن در شهر) در این باره می‌گوید:

یه بار می‌خواستم یه کارگاه بزنم وام می‌خواستم انقدر بین اداره‌ها سرگردان بودم که کلاً پشیمون شدم.

۴-۵- راهبردها

راهبردها، استراتژی‌هایی هستند که کنشگران به‌واسطه‌ی پدیده‌ی اصلی، آن‌ها را اتخاذ می‌کنند و تحت تأثیر شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر می‌باشند. در مطالعه حاضر، راهبرد زنان به‌واسطه‌ی پدیده‌ی توانمندسازی پایدار، راهبرد «کنترل وضعیت» است که به معنای «اتخاذ و اقدام به کنش بر مبنای درک و انتخاب صحیح» است. به عبارت دیگر، زن توانمند با اتکا به دانشی که دارد، هر موقعیت و وضعیتی را به‌خوبی می‌سنجد و تجزیه و تحلیل می‌کند و سپس بر اساس درک خود از آن وضعیت و انتخاب درست، یک کنش معقولانه و بهینه را اتخاذ می‌کند و آن را به فعلیت می‌رساند. در نتیجه می‌توان گفت، بر وضعیتی که با آن روبه‌رو بوده است -چه در سطح خرد یا چه در سطح کلان کنترل داشته و توانسته است به‌وسیله‌ی کنش فعالانه‌ی خود در آن مؤثر باشد.

جدول ۶: کدها و مقولات استخراج شده‌ی راهبردها

مقولات اصلی	مقولات فرعی	کدهای اولیه (مفاهیم)
کنترل وضعیت	اتخاذ و اقدام به کنش بر مبنای درک و انتخاب صحیح	ارزیابی آسیب اجتماعی
		کنش/واکنش متناسب با آسیب اجتماعی

الهام (۳۸ ساله، مجرد، خودسرپرست، کارشناسی ارشد، شاغل و ساکن در شهر) در این باره می‌گوید:
یه زن توانمند همیشه بهترین تصمیم رو می‌گیره چون تواناییش رو داره، می‌تونه سرنوشت
زندگیش رو در دست بگیره و حتی باعث سعادت و خوشبختی دیگران هم بشه. می‌تونه حق و حقوق
خودش رو مطالبه کنه نه تنها در سطح یه زن، بلکه در سطح بالاتر را.

ریحانه (۳۵ ساله، مجرد، تحت تکفل، دیپلم، بیکار و ساکن شهر) در این رابطه می‌گوید:
معلومه که وقتی یه زنی از همه لحاظ توانایی داشته باشه، هیچ مشکل مالی نداشته باشه،
هم خانواده ازش حمایت کنن هم دولت و... دستش بازه می‌تونه همه کاری بکنه جرأت و
جسارت انجام کارهای بزرگ رو هم داره تازه.

کتیبه (۲۸ ساله، مجرد، سرپرست، دیپلم، بیکار و ساکن در روستا) که به علت فوت پدر و
مادرش سرپرستی خواهر و برادر کوچک‌تر خود را بر عهده دارد و تحت پوشش کمیته امداد
هستند در این رابطه می‌گوید:

به نظرم وقتی یه زن به قول معروف توانمند باشه خیلی راحت می‌تونه تو هر شرایطی که
باشه بهترین تصمیم رو بگیره و کم نیاره. خیلی وقتا شده مشکل مالی داشتیم یا خواهر و
برادرم چیزی لازم داشتن برای مدرسه‌شون، اون لحظاتی با خودم میگم اگر همین حقوقی
که از کمیته امداد بهمون میدن نبود واقعاً من چکار می‌کردم، زیاد نیست، ولی به نظرم
خیلی تأثیر داره، سعی می‌کنم همینو خوب مدیریت کنم تا منت کسی هم سرمون نباشه.

نسترن (۳۴ ساله، متأهل، تحت تکفل، کارشناسی ارشد، خانه‌دار و ساکن در شهر و مادر سه
فرزند می‌گوید:

یه همچین زنی [زن توانمند] دیگه هیچ مشکلی نمی‌تونه براش غیرقابل حل باشه. براش
فرقی نداره اون مشکل کوچیک باشه یا بزرگ، چون می‌تونه به خاطر اینکه خیالش از همه
جهت راحته بدون اینکه هول بشه یا زانوی غم بغل کنه حلش کنه، مثلاً اگر یه زمانی توی

جیب پسر نوجوونش سیگاری چیزی پیدا کنه، با همفکری و حمایت همسرش بهترین روش رو انتخاب می‌کنه جوری که به پسرش برنخوره قضیه رو باهاش مطرح می‌کنه و خوب مدیریت می‌کنه تا بتونه ترکش بده.

۵-۵- پیامدها

طبق تحلیل مصاحبه‌ها، راهبرد کنترل وضعیت، «کنترل آسیب‌های اجتماعی» به دنبال دارد. این پیامد هفت سطح دارد که در یک دسته‌بندی کلی‌تر این سطوح به سه سطح تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از: سطح کلان شامل پژوهش و نظریه‌سازی و طراحی و قانون‌گذاری، سطح میانی شامل آموزش و فرهنگ‌سازی، اجرا و عملیاتی‌سازی و ارزیابی و اصلاح، سطح خرد شامل خود-دیگر مراقبتی و ایمن‌سازی (پیشگیری) و خود توانمندی و دیگر- توانمندسازی (بازتولید) که این مقولات استخراج‌شده در جدول شماره‌ی ۷ آمده است.

جدول ۷: کدها و مقولات استخراج‌شده‌ی پیامدها

مقولات اصلی	مقولات فرعی	کدهای اولیه (مفاهیم)
کنترل آسیب‌های اجتماعی	سطح کلان	پژوهش و نظریه‌سازی
		طراحی و قانون‌گذاری
	سطح میانی	آموزش و فرهنگ‌سازی
		اجرا و عملیاتی‌سازی
		ارزیابی و اصلاح
	سطح خرد	خود-دیگر مراقبتی و ایمن‌سازی (پیشگیری)
		خود توانمندی و دیگر توانمندسازی (بازتولید)

در سطح کلان، زنان می‌توانند با پژوهش در زمینه‌ی آسیب‌های اجتماعی و ارائه‌ی نظریه در رابطه با آن‌ها (در رشته‌ی علوم اجتماعی) و همچنین با طراحی و ارائه راهکار و تدوین آن به شکل قانون در عرصه‌های قانون‌گذاری (در رشته‌های علوم سیاسی و حقوق) در حل این آسیب‌ها مؤثر باشند. در سطح میانی زنان می‌توانند در راستای فرهنگ‌سازی پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و آموزش و نهادینه کردن آن در جامعه (در رشته‌ی علوم تربیتی) و همچنین در اجرا و عملی

کردن طرح‌های پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی (در رشته‌ی روان‌شناسی و مددکاری) از طریق مشاوره و همچنین درمان بزه‌دیدگان و درنهایت در جهت ارزیابی و برطرف کردن ایرادات طرح‌های اجراشده (در رشته‌ی مدیریت) گام بردارند و هرچه بیشتر موجبات پیشگیری از این آسیب‌ها و کنترل آن‌ها را فراهم کنند. در سطح خرد نیز زنان می‌توانند نه تنها در مقابل آسیب‌ها از خود و دیگران به‌ویژه همسر و فرزندان خود مراقبت کنند، بلکه می‌توانند نسل بعد از خود (یعنی فرزندان خود به‌ویژه دخترانشان) را نیز همچون خود توانمند بارآورند و همچنین با الگوسازی از توانمندی زنان در جامعه به بازتولید توانمندسازی بانوان و کنترل آسیب‌های اجتماعی یاری رسانند.

زهره ۳۳ ساله، متأهل، تحت تکفل، کارشناسی ارشد، خانه‌دار و ساکن شهر) درباره‌ی با سطح نظریه‌سازی می‌گوید:

من جامعه‌شناسی خوندم. اگر واقعاً شرایط برام مهیا بشه و توانمند باشم وقتی ببینم توی جامعه‌ام آسیبی وجود داره به‌عنوان عضوی از جامعه احساس مسئولیت می‌کنم و با تحقیق و پژوهش در مورد علل اون آسیب سعی می‌کنم نظریاتی رو ارائه کنم که به‌نوعی نسخه‌ی درمان اون آسیب باشن.

پرستو (۳۰ ساله، مجرد، تحت تکفل، کارشناسی ارشد، دانشجو و ساکن شهر) در رابطه با مقوله طراحی و قانون‌گذاری می‌گوید:

اگر به ما هم فرصت بدن که بتونیم وارد عرصه‌ی سیاست بشیم توی مجلس بیشتر حضور داشته باشیم می‌تونیم در سطح کلان و در سطح قانون‌گذاری با توجه به آسیب‌های موجود توی جامعه قانون‌گذاری کنیم مخصوصاً آسیب‌هایی که به زن‌ها مرتبط هست مثل تن‌فروشی یا اعتیاد زنان و ...

گلرخ (۴۸ ساله، متأهل، تحت تکفل، کارشناسی ارشد، شاغل و ساکن شهر) که خودش معلم است در رابطه با سطح آموزش و فرهنگ‌سازی می‌گوید:

زن‌های توانمند می‌تونن تو فرهنگ‌سازی پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی نقش داشته باشن، می‌تونن کتاب بنویسن، تولیدات رسانه‌ای داشته باشن و حتی مثل من که معلم هستم تو عرصه‌ی آموزش و پرورش فعالیت کنن.

نسیم (۳۶ ساله، متأهل، تحت تکفل، دیپلم، خانه‌دار و ساکن شهر) درباره‌ی سطح اجرا و عملیاتی سازی معتقد است:

می‌خواستیم طلاق بگیرم رفتم پیش یه مشاور خانم، خیلی خوب راهنماییم کرد و باعث شد از طلاق منصرف بشم. زن‌های توانمند می‌تونن با مشاوره دادن و مددکاری تو پیشگیری از آسیب‌هایی مثل طلاق و خیانت و... نقش داشته باشن.

فهیمة (۳۲ ساله، متأهل، تحت تکفل، دکتر، خانه‌دار و ساکن شهر) درباره‌ی سطح ارزیابی و اصلاح می‌گوید:

زنی که توانمند باشه می‌تونه مدیر بشه، می‌تونه نظارت کنه، ببینه طرح و برنامه‌ای که در ارتباط با خانم‌ها اجرا میشه اثری داشته اگر مفید نبوده، اصلاحش کنه.

هما (۴۹ ساله، بیوه، سرپرست خانوار، بی‌سواد، شاغل و ساکن روستا) در رابطه با سطح خود-دیگر مراقبتی و ایمن‌سازی می‌گوید:

من اگر خودم توانمند باشم و بتونم تشخیص بدم که چی آسیبه چی آسیب نیست، می‌تونم از خودم مراقبت کنم، می‌تونم از بچه‌ام هم مراقبت کنم که مثلاً تو دام اعتیاد نیفته.

مهتاب (۲۶ ساله، مجرد، خودسرپرست، لیسانس، شاغل و ساکن شهر) که به‌صورت مستقل زندگی می‌کند درباره‌ی سطح خود توانمندی و دیگر-توانمندسازی می‌گوید:

یه زن که توانمند باشه، دانش رفتار اجتماعی داشته باشه مثلاً بدون چطور با همسرش یا دیگران رفتار کنه اینکه بدون چطور بچهاش رو تربیت کنه، هم خودش رو توانمندتر می‌کنه اینکه آسیبی به زندگیش وارد نشه، هم اینکه بچهاش رو توانمند بار میاره.

۶-۵- پدیده‌ی محوری

بر اساس تحلیل مصاحبه‌ها پدیده‌ی «توانمندسازی پایدار» به‌عنوان پدیده محوری تعیین شد. با توجه به تعریف توانمندسازی که معنای آن قدرت بخشیدن به افراد، به‌گونه‌ای که به آن‌ها کمک شود تا حس اعتمادبه‌نفس را در خود تقویت نموده و بر ناتوانی‌ها یا درماندگی‌های خود غلبه کنند (گلزاری و میردامادی، ۱۳۹۲: ۵۰) و همچنین عنایت به این نکته که توانمندسازی چیزی نیست که اعطا شود، بلکه فرآیندی است که از شرایط موجود به‌وسیله‌ی افراد آگاه در یک جامعه‌ی معین نشئت می‌گیرد (عناستانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۵) و این فرآیند به افراد کمک می‌کند که خودمختاری، کنترل و اعتمادبه‌نفس کسب کنند و با احساس قدرت فردی و جمعی برای چیره شدن بر محدودیت‌های موجود اقدام کنند (خانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۸)، می‌توان مفهوم جدید «توانمندسازی پایدار» را تعریف کرد. در جدول شماره‌ی ۴ کدها و مفاهیم استخراج‌شده‌ی پدیده محوری درج‌شده است.

جدول ۸: مقولات فرعی و اصلی پدیده محوری

مقولات اصلی	مقولات فرعی	کدهای اولیه (مفاهیم)
توانمندسازی پایدار	توانمندسازی بادوام	ارزیابی دوره‌ای شاخص‌های توانمندی
		پیشگیری از افول سطح توانمندی
	توانمندسازی همه‌جانبه	افزایش هم‌زمان سطح توانمندی در ابعاد مختلف
		پرورش توانمندی در عرصه‌های نوظهور

واژه‌ی «پایداری» به معنای حیات، تاب‌آوری، استمرار و قابلیت تداوم در آینده است. پایداری یک ایده و اصطلاح بسیار گسترده است که معانی متفاوت و بسیاری دارد.

با الهام از تعریف مفهوم «توسعه پایدار» و دو مشخصه‌ی آن یعنی «بادوام بودن» و «همه‌جانبه بودن»، می‌توانیم مفهوم «توانمندسازی پایدار زنان» را این‌گونه تعریف کنیم: «توانمندسازی پایدار زنان شکلی از توانمندسازی است که نه تنها مقطعی و کوتاه‌مدت نیست و در زندگی آینده‌ی زنان و فرزندان آن‌ها و همچنین آینده‌ی جامعه و نسل‌های آتی تداوم و استمرار دارد، بلکه نوعی توانمندسازی همه‌جانبه است که به همه‌ی ابعاد توانمندی شامل ابعاد جسمی، روانی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حقوقی به‌طور یکسان و متوازن اهمیت داده و افزایش سطح همه‌ی آن‌ها را در راستای توانمندسازی مدنظر دارد». در غیر این صورت یعنی اهمیت و توجه به یک یا چند بعد خاص و غفلت از ابعاد دیگر و همچنین اجرای برنامه‌ها و اهداف مقطعی، تنها به‌نوعی توانمندسازی مقطعی منجر می‌شود که قطعاً نمی‌توان از آن انتظار تأثیرگذاری مفید در جامعه و به‌ویژه در زمینه‌ی کنترل آسیب‌های اجتماعی داشت.

هما (۴۹ ساله، بیوه، سرپرست خانوار، بی‌سواد، شاغل و ساکن در روستا) که خود یک کارآفرین است و در عرصه‌ی صنایع دستی سنتی فعالیت دارد در این باره می‌گوید:

من به کارگاه کوچیک درست کردم برای قالیبافی و گلیم‌بافی. چندتا از زن‌های روستا هم اونجا مشغول شدن. وام اشتغال‌زایی گرفتم و شروع کردم اما بازار فروش خوب نیست درسته که وام میدن و واسه شروع کار کمک می‌کنن ولی به نظرم باید تو بازار هم حمایت کنن تا بتونیم محصولاتمون رو بفروشیم. وگرنه چه فایده.

نسترن (۳۴ ساله، متأهل، تحت تکفل، کارشناسی ارشد، خانه‌دار و ساکن در شهر) که خود مادر سه فرزند است می‌گوید:

اینکه فرصت تحصیل رو واسه‌ی خانم‌ها فراهم کردن در اصل یه جورایی اونارو توانمند کردن ولی وقتی درگیر بچه‌داری میشیم و کلی وظیفه باید هم‌زمان انجام بدیم هم مادر باشیم، هم همسر، هم دانشجو، هم شاغل خب معلومه که کم میاریم. باید توانمندسازی جوری باشه که از همه‌ی جهت از زن‌ها حمایت بشه تا کم نیارن و گرنه صرف اینکه بگیم تونستن تحصیل کنن یا شاغل بشن توانمندی محسوب نمیشه.

زهرة (۳۳ ساله، متأهل، تحت تکفل، کارشناسی ارشد، خانه‌دار و ساکن در شهر) نیز می‌گوید:

من درس خوندم و ازین نظر توانمند حساب میشم ولی وقتی واسه کسب این توانمندی از اون طرف نتونستم بچه‌دار بشم و فرصت مناسب بچه‌داری رو از دست دادم چه فایده داره این توانمندی. در اصل باعث بازداری من از یه چیز دیگه شد. کما اینکه اگر اکثر زنان ما به واسطه توانمندی از طریق تحصیلات و اشتغال از باروری عقب بیفتن این خودش یه جور آسیب اجتماعی و در سطح کلان هم به کشور ضربه می‌زنه، چون جامعه رو کهن سال می‌کنه. پس این توانمندی به درد نمی‌خوره.

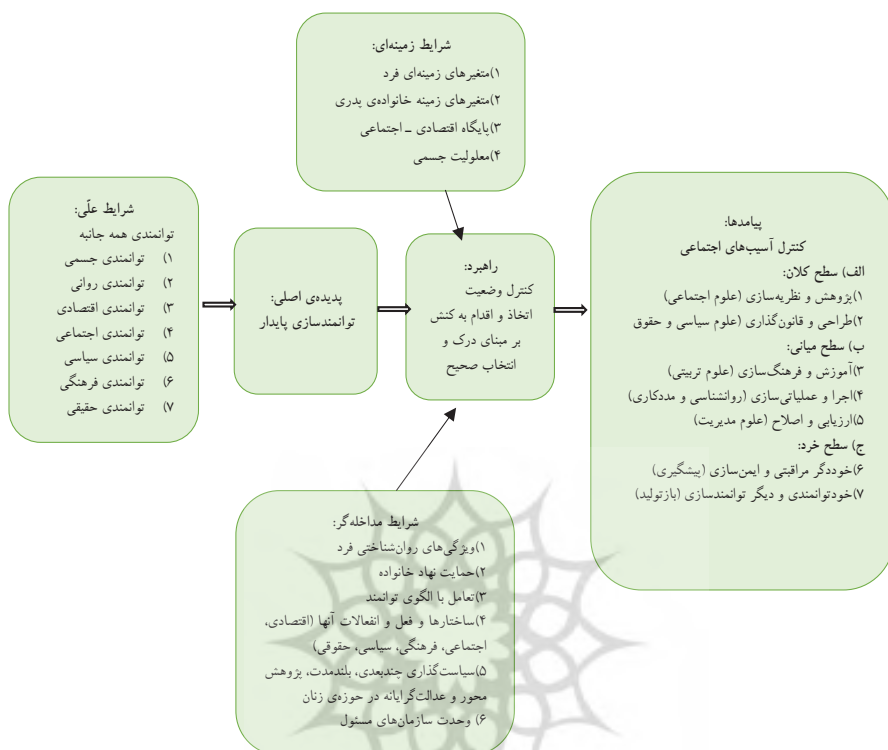
مهتاب (۲۶ ساله، مجرد، خودسرپرست، لیسانس، شاغل و ساکن در شهر) که به‌صورت مستقل و دور از خانواده زندگی می‌کند در این باره می‌گوید:

من الان توانمند محسوب میشم چون هم درس خوندم، هم خودم کار می‌کنم و خرج خودم رو میدم در حدی که مستقل از خانواده‌ام زندگی می‌کنم، حتی گاهی به اون‌ها کمک مالی هم می‌کنم، ولی بهم میگن پیش فامیل و در و همسایه نگو که اونجا کار می‌کنی بگو اونجا درس می‌خونی، چون زشته حرف برات درمیان. خب ببینید من توانمندم، ولی فرهنگ جامعه بهم فشار میاره، بعضی وقتا افسرده میشم میگم مگه من چکار بدی کردم تازه باید اینو نقطه قوت یه زن بدونن که از پس خودش بریاد اونم تو یه شهر غریب. باید این فرهنگ‌سازی بشه که یه زن می‌تونه توانمند باشه و گرنه اگر جامعه و افکار مردم همین باشه توانمندی معنایی نداره.

پرستو (۳۰ ساله، مجرد، تحت تکفل، کارشناسی ارشد، دانشجو و ساکن در شهر) نیز می‌گوید:

به نظر من توانمندسازی فقط این نیست که یه سری شرایط واسه تحصیل و اشتغال و ازدواج زنان فراهم کنیم، بلکه باید این حمایت همیشگی باشه از لحظه‌ی تولد یه دختر تا

پایان عمرش از همه لحاظ پشتوانه داشته باشد و بتونه در طول زندگی احساس قدرت کنه و از پس مشکلات بریاد.



شکل (۱): مدل پارادایم گراند تئوری

بحث و نتیجه‌گیری

بروز و گسترش انواع آسیب‌های اجتماعی یکی از معضلاتی است که همگی جوامع در عصر حاضر با آن روبه‌رو هستند و جامعه‌ی ایران نیز از آن مستثنا نیست. زنان به‌عنوان نیمی از اعضای هر جامعه می‌توانند با توانمندی خود نقش بسزایی در کنترل آسیب‌های اجتماعی ایفا کنند. بر همین اساس، مطالعه حاضر باهدف تحلیل نقش توانمندسازی زنان در کنترل آسیب‌های اجتماعی در میان زنان شهرستان بروجرد انجام شده است تا بتواند یک الگوی کارآمد بومی ارائه کند. تحقیق به اتخاذ رویکرد کیفی و با روش نظریه‌ی زمینه‌ای انجام شده است که داده‌های کیفی را از طریق مصاحبه‌ی عمیق و ساختار یافته با ۳۰ نمونه که به‌صورت هدفمند انتخاب شده بودند تا زمان اشباع نظری انجام شد و طی فرآیند سه مرحله‌ای کدگذاری، داده‌های کیفی تجزیه و تحلیل شده است.

یافته‌های تحقیق نشان داد که «توانمندی همه‌جانبه» زنان در ابعاد گوناگون شامل جسمی، روانی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی می‌تواند «توانمندسازی پایدار زنان» را به بار آورد که در راستای آن، زنان از طریق راهبرد «کنترل وضعیت» که خود تحت عوامل و شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر است، آسیب‌های اجتماعی را در سه سطح خرد، میانه و کلان کنترل کنند. در سطح کلان، زنان می‌توانند با پژوهش در زمینه‌ی آسیب‌های اجتماعی و ارائه‌ی نظریه در رابطه با آن‌ها و همچنین با طراحی و ارائه‌ی راهکار و تدوین آن به شکل قانون در عرصه‌های قانون‌گذاری در راستای کنترل این آسیب‌ها مؤثر باشند. در سطح میانی، زنان می‌توانند در راستای فرهنگ‌سازی پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و آموزش و نهادینه کردن آن در جامعه و همچنین در اجرا و عملی کردن طرح‌های پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی از طریق مشاوره و همچنین درمان بزه دیدگان و درنهایت در جهت ارزیابی و برطرف کردن ایرادات طرح‌های اجرا شده گام بردارند و هرچه بیشتر موجبات کنترل این آسیب‌ها را فراهم کنند. در سطح خرد نیز زنان می‌توانند نه تنها در مقابل آسیب‌ها از خود و دیگران به‌ویژه همسر و فرزندان خود مراقبت و محافظت کنند، بلکه می‌توانند نسل بعد از خود (فرزندان خود به‌ویژه دخترانشان) را نیز همچون خود توانمند بار آورند و همچنین با الگوسازی توانمندی زنان در جامعه به بازتولید توانمندسازی و درنتیجه به کنترل آسیب‌های اجتماعی منجر شوند.

۱۷۱

در مقایسه با پیشینه نظری و تجربی که عموماً به شیوه‌ی پیمایشی انجام شده‌اند، می‌توان گفت این پیشینه‌ها در مجموع تأییدکننده‌ی بخش اول مدل پارادایم یعنی شرایط زمینه‌ای پدیده‌ی توانمندسازی هستند. بر اساس نتایج پژوهش پیمایشی غیاثوند و عمار (۱۳۹۱) احداث مجموعه‌های فرهنگی ویژه بانوان و نیز بر اساس نتایج پژوهش پیمایشی تاج‌الدین و رحمتی و الا (۱۳۹۳) برنامه‌های آموزشی، پیام‌های تبلیغاتی، برنامه‌های اوقات فراغت، افزایش آگاهی و الگوسازی رسانه ملی با توانمندی زنان در ابعاد فردی، خانوادگی، حرفه‌ای و اجتماعی رابطه‌ی معنا داری دارد. در این تحقیق نیز توانمندی فرهنگی به‌عنوان یکی از الزامات و شرایط علی ظهور و بروز توانمندسازی پایدار استخراج شده است. پژوهش محمد پور و همکاران (۱۳۹۱) نیز ناکارآمدی توانمندسازی تک‌بعدی اقتصادی را نشان داده است که یافته‌های این تحقیق نشان داد زمانی توانمندسازی مؤثر، کارآمد و پایدار است که هم‌زمان به بهسازی همه‌ی ابعاد توجه شود. پیمایش منتظر قائم و شعبان کاسه‌گر (۱۳۹۴) نشان داده است که فضای مجازی با حذف محدودیت‌های دنیای واقعی شرایط لازم برای مشارکت اجتماعی زنان را فراهم می‌کند که این امر می‌تواند به

توانمندی فردی بیانجامد. تحقیق حاضر نیز توانمندی اجتماعی را به‌عنوان یکی از الزامات و شرایط علی توانمندسازی پایدار استخراج کرده است. یافته‌های پژوهش کیفی فلاح و پاشایی نیا (۱۳۹۹) نشان داده است، برای پرورش زنان کارآفرین باید به عوامل «توانمندسازی چندگانه» با شاخص‌های «تحریک‌کننده‌ها» و «تسهیلگرها» و عوامل «ظرفیت‌سازی پویا» که دربرگیرنده‌ی «تثبیت‌کننده‌ها» و «بسترسازی» است، توجه کرد که با یافته‌های تحقیق حاضر قرابت دارد، اما بیشتر بر «خلق ارزش اجتماعی» از طریق «حمایت‌کننده‌ها»، «هنجارهای اجتماعی» و «هم‌افزایی اجتماعی» متمرکز شده است و جنبه‌ی اجتماعی دارد و به سایر جنبه‌ها همچون توانمندی سیاسی، حقوقی و... نپرداخته است؛ در حالی که نتایج تحقیق حاضر تحلیل تقریباً جامعی را در این باره ارائه کرده است. پژوهش پیمایشی حاجیلو و همکاران (۱۳۹۹) نیز با تمرکز بر زنان سرپرست خانوار نشان داده است که «عوامل اجتماعی»، «عوامل اقتصادی» و «عوامل روان‌شناختی» از اصلی‌ترین عوامل مؤثر در توانمندسازی این دسته از زنان است. پژوهش واعظی و همکاران (۱۴۰۰) نیز نشان داد که حمایت اجتماعی و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار راه برون‌رفت آنها از شرایط سخت و دشوار است.

۱۷۲

با توجه به شرایط خاص جامعه‌ی هدف تحقیق، سه عامل مذکور بررسی شده و سایر عوامل نظیر عوامل فرهنگی، سیاسی و حقوقی بررسی نشده‌اند؛ در حالی که تحقیق حاضر با تحلیل کیفی توانسته است این عوامل را نیز شناسایی کند.

در میان پژوهش‌های خارجی نیز پژوهش پیمایشی محمود و همکاران (۲۰۱۲) در مناطق روستایی بنگلادش نشان داد، در دسترس بودن امکاناتی همچون ثروت خانواده (توانمندی اقتصادی)، عزت‌نفس (توانمندی روانی)، آزادی تحرک (توانمندی اجتماعی) و امکان درس خواندن (توانمندی فرهنگی) در توانمندسازی زنان روستایی مؤثرند؛ البته این تحقیق متمرکز بر زنان روستایی بوده و ۴ بعد مذکور را ارزیابی کرده است. نتایج پژوهش‌های پیمایشی گاریکیپاتی^۱ (۲۰۱۲)، الشیک و الامن^۲ (۲۰۱۳)، آبايومي و ابادت^۳ (۲۰۱۴) و ورما^۴ (۲۰۱۶) نشان داده است که توانمند کردن زنان روستایی در بعد اقتصادی از طریق وام‌ها و تسهیلات دولتی، آنها را قادر به خوداشتغالی و افزایش توانمندی می‌کند تا برخلاف بافت فرهنگی روستایی که عموماً مالکیت با مردان است، زنان

1- Garikipati

2- Elsheikh & Elamin

3- Abayomi & Abadat

4 - Verma

بتوانند به حدی از استقلال دست یابند، اما تحقیقات مذکور تنها بر توانمندی اقتصادی و البته بر جامعه‌ی زنان روستایی متمرکز شده‌اند. شارنگا^۱ و همکاران (۲۰۱۶) نیز در تحقیق پیمایشی خود اثرات توانمندی اقتصادی را در میان زنان سرپرست خانوار و هوپیس^۲ و همکاران (۲۰۱۷) اثرات این بعد از توانمندی را در میان قشرهای مختلف زنان بررسی کرده‌اند. پژوهش‌های دهال^۳ (۲۰۱۳) و فرخ و اختر (۲۰۱۴) نیز نشان داده است که استفاده‌ی مناسب از ظرفیت‌های رسانه‌ها (توانمندی فرهنگی و اجتماعی) موجب توانمندسازی و قدرتمند ساختن زنان می‌شود. ستاد زنان سازمان ملل (۲۰۲۲) نیز در خصوص اصول توانمندسازی زنان، بر طراحی سیاست‌های جدید در عرصه‌ی بین‌المللی برای تحقق توانمندسازی زنان به‌منظور ورود و حضور آن‌ها در بازار کار و عرصه‌های اقتصادی متمرکز است. رویکردهای نظری غیربومی موجود در رابطه با توانمندسازی زنان نیز بیشتر بر برابری جنسیتی و توانمندی اجتماعی و اقتصادی تأکید دارند، همچون رویکردهای لانگه^۴، بنت^۵، کبیر^۶، مایوکس^۷ و نیز فمینیست‌های لیبرال و اصلاح‌گرا. درحالی‌که تحقیق حاضر با نگاهی بومی و همه‌جانبه مفهوم جدیدی با عنوان «توانمندسازی پایدار» ارائه کرده است که توسعه‌دهنده‌ی رویکردهای پیشین است و می‌تواند مبنایی برای پژوهش‌های آتی کمی و کیفی قرار گیرد. توانمندسازی پایدار زنان شکلی از توانمندسازی است که نه تنها مقطعی و کوتاه‌مدت نیست و در زندگی آینده زنان و فرزندان آن‌ها و همچنین آینده‌ی جامعه و نسل‌های آتی تداوم و استمرار دارد، نوعی توانمندسازی همه‌جانبه است که به همه‌ی ابعاد توانمندی (جسمی، روانی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حقوقی) به‌صورت یکسان و متوازن اهمیت داده و افزایش سطح همه‌ی آن‌ها را مدنظر دارد. می‌توان چنین ادعا کرد که تحقیقات پیشین عموماً بر پدیده‌ی توانمندسازی به‌صورت مقطعی متمرکز بوده و تنها هر کدام بخشی از مؤلفه‌های مؤثر در توانمندسازی را (در گروه خاصی از زنان) بررسی کرده‌اند. درحالی‌که تحقیق حاضر با تمرکز بر پدیده‌ی توانمندسازی پایدار همچنین به دنبال تحلیل پیامد این‌گونه توانمندسازی در راستای

1- Sharaunga et al.

2- Huis & et al.

3- Dahal

4 - Longwe

5- Bennett

6- Kabeer

7 - Mayoux

کنترل آسیب‌های اجتماعی بوده است. بر همین اساس، به‌منظور نشان دادن وجه تداومی این‌گونه توانمندسازی از مفهوم توانمندسازی پایدار استفاده شده است.

نتایج تحقیق نشان داد در صورت دستیابی به توانمندسازی پایدار، زنان می‌توانند راهبرد کنترل وضعیت را در پیش گیرند؛ یعنی اتخاذ و اقدام به کنش بر مبنای درک و انتخاب صحیح. این راهبرد خود تحت تأثیر دو گروه از عوامل است که همان شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر بودند؛ بنابراین به‌منظور تسهیل روند کنش زنان توانمند نیاز است که شرایط مداخله‌گر تحدیدکننده، حذف و یا حداقل تعدیل شوند و همچنین شرایط مداخله‌گر تسهیل‌کننده، ایجاد و یا تقویت شوند. تحقیق حاضر به‌عنوان یک دستاورد جدید توانست این شرایط میانجی را که به‌عنوان واسطه‌ی تأثیرگذاری توانمندسازی زنان در کنترل آسیب‌های اجتماعی عمل می‌کنند آشکار کند. در نهایت تحقیق نشان داد، پیامد توانمندسازی پایدار که توانایی کنترل وضعیت و کنترل آسیب‌های اجتماعی در سطوح مختلف است شامل هفت سطح است. تحقیقات پیشین عمدتاً به دنبال نتایج توانمندسازی زنان در سطح خرد بوده‌اند، اما تحقیق حاضر نشان داد، زنان توانمند به‌شرط توانمندسازی پایدار و کنترل شرایط مداخله‌گر می‌توانند در سطوح کلانی همچون نظریه‌پردازی، سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری در راستای کنترل آسیب‌های اجتماعی گام بردارند که این سطح در جامعه‌ی ما با توجه به پایدار نبودن فرآیند توانمندسازی زنان بسیار کم‌رنگ است و نیاز به توجه و تمرکز بیشتری دارد. همچنین مفهوم بازتولید توانمندسازی نشان می‌دهد که توانمندسازی زنان می‌تواند به‌صورت فرآیندی چرخه‌ای و پویا عمل کرده و مدام نسل‌های آتی توانمند تولید کند که این نیز برخاسته از مفهوم توانمندسازی پایدار است. به‌عبارت‌دیگر، زنان توانمند در صورت فراهم بودن بستر توانمندسازی پایدار می‌توانند توانمندی و توانمندسازی را بازتولید کنند.

اگرچه یافته‌های تحقیقات کیفی همواره فرضیه‌هایی هستند که مبتنی بر بافت مورد مطالعه می‌باشند و قابلیت تعمیم قطعی ندارند، درعین حال می‌توان برخی پیشنهادات راهگشا را ارائه نمود که شایسته است مورد توجه قرار گیرند. با توجه به نتایج پژوهش، اولین گروه از پیشنهادات کاربردی مربوط به فراهم کردن شرایط زمینه‌ای توانمندسازی پایدار است که پیش‌ازاین نیز به‌وفور در اسناد بالادستی و نیز در مجموعه نتایج تحقیقات پیشین مطرح بوده و در حد نگارش اسناد باقی‌مانده و اندکی به عرصه‌ی عملیاتی سازی وارد شده است، لذا پیشنهاد می‌شود در سیاست‌گذاری‌ها و همچنین مرحله‌ی اجرا سعی شود توانمندسازی در همه‌ی ابعاد به‌صورت متوازن و مداوم انجام شود تا زنان توانمند و اثرگذار در عرصه‌های مختلف تربیت شوند. همچنین با توجه به دو گروه از

شرایطی که بر اتخاذ راهبرد از سوی زنان توانمند مؤثر هستند؛ یعنی شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر می‌توان گفت، اگرچه شرایط زمینه‌ای را نمی‌توان آن‌چنان در جهت بهبود و تسهیل کنش زنان توانمند دستخوش تغییر کرد، اما شرایط مداخله‌گر عموماً شرایطی هستند که می‌توان آن‌ها را تا حدی مطلوب کنترل کرد و اثر مخرب آن‌ها را به حداقل رساند و یا اثر سازنده‌ی آن‌ها را بیشینه کرد؛ برای مثال می‌توان موارد ذیل را پیشنهاد نمود:

- در نگرش‌های پشتیبان همه‌ی طرح‌ها و سیاست‌گذاری‌ها به اصل ملاحظات جنسیتی توجه نمود تا بتوان حضور و کنش موفق و سودآور زنان را در همه‌ی عرصه‌ها سبب شد.

- در طرح‌ها و برنامه‌ی کلان برای حل مسائل و مشکلات زنان به‌عنوان محور ضروری سیاست‌گذاری‌ها و به‌منظور اصلاح و ارتقای آن‌ها به موضوع توانمندسازی زنان توجه شود.

- برنامه‌ریزی‌ها بر مبنای اهداف بلندمدت باشند و نه صرفاً بر مبنای پروژه‌های حمایتی کوتاه‌مدت، زیرا پروژه‌های مقطعی و کوتاه‌مدت نمی‌تواند زنان را برای همیشه توانمند کند. همچنین این برنامه‌ریزی‌ها تک‌بعدی و یک‌جانبه‌گرا نباشد، بلکه به همه‌ی ابعاد توانمندی توجه شود و صرف پرداخت تسهیلات به زنان توانمندسازی نباشد.

- در راستای برقراری تعامل با الگوی توانمند، دوره‌های توانمندسازی و مهارت‌های زندگی با حضور زنان توانمند از سوی سازمان و دستگاه‌های ذی‌ربط ارائه شود تا زنان بتوانند با الگوهای توانمند بیشتر ارتباط داشته باشند و از تجربیات آن‌ها استفاده کنند.

- درباره‌ی حمایت نهاد خانواده و لزوم نهادینه شدن توانمندسازی بانوان در نهاد خانواده با تأکید بر لزوم ارتقای آموزش در سطح خانواده، مدرسه، رسانه و جامعه و سایر نهادهای جامعه‌پذیر کننده باید در نهادینه کردن توانمندی زنان در همه ابعاد برنامه‌ریزی شود.

- رسیدگی، حمایت، آموزش و توانمندسازی بانوان یک اقدام بین بخشی است و لازم است سازمان‌ها و دستگاه‌های ذی‌ربط با یکدیگر هماهنگی و وحدت رویه داشته باشند؛ بنابراین باید قوانین و مقررات خاصی در این خصوص تعریف و تدوین شود تا ضمن حذف همپوشانی‌ها و دوباره‌کاری‌ها بتوان با هماهنگی در بخش‌های مختلف در راستای توانمندسازی زنان گام برداشت.

منابع

- ابوت، پاملا و کلر والاس، (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی زنان، ترجمه‌ی منیژه منجم عراقی، تهران: نشر نی.
- ایمان، محمدتقی، (۱۳۸۸). مبنای پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی. قم: حوزه و دانشگاه.
- تاج‌الدین، محمدباقر و لیلی رحمتی والا، (۱۳۹۳). «رسانه ملی و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار (مورد مطالعه: زنان سرپرست خانوار منطقه ۱۸ تهران)»، مطالعات راهبردی زنان، د ۱۷، ش ۶۵.
- حاجیلو، وحید، حبیب ولی زاده و زهرا مقیمی، (۱۳۹۹). «شناسایی مؤلفه‌های سازمان‌دهی و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در شهرستان چالدران»، مطالعات راهبردی زنان، د ۲۳، ش ۸۹.
- خانگی، فضیله، سید حسن مطیعی لنگرودی و لیلا صیاد بید هندی (۱۳۹۱). «ارائه الگوی توانمندسازی زنان روستایی استفاده‌کننده از ICT (بررسی موردی: بخش مرکزی شهرستان لاهیجان)»، توسعه روستایی، د ۴، ش ۱.
- ساروخانی، باقر، (۱۳۸۰). درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان.
- ستوده، هدایت الله، (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، تهران: آوای نور.
- عبداللهی، محمد، (۱۳۹۴). آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران، تهران: آگه.
- عنابستانی، علی‌اکبر و دیگران، (۱۳۹۲). «نقش مشارکت در توانمندسازی اقتصادی نواحی روستایی با تأکید بر بخش کشاورزی (مطالعه موردی: دهستان ایجرود بالا، استان زنجان)»، فضای جغرافیایی، ش ۴۴.
- غیاثوند، احمد و حسن عماری، (۱۳۹۱). «ارزیابی تأثیر اجتماعی مجموعه‌های فرهنگی بانوان (شهربانو) بر توانمندسازی زنان در شهر تهران»، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ش ۱۲.
- فلاح، محمدرضا و رها پاشایی نیا، (۱۳۹۹). «زنان کارآفرین و ورود موفقیت‌آمیز به حوزه کارآفرینی اجتماعی: ارائه یک مدل نظری»، مطالعات راهبردی زنان، د ۲۳، ش ۹۰.
- فلیک، اووه، (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه‌ی هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- کبیر، نایلا، (۱۳۸۹). «تأملی در سنجش قدرتمند شدن زنان: منابع، عاملیت، دستاوردها». ترجمه‌ی فاطمه صادقی، توانمندی زنان: نقدی بر رویکردهای رایج توسعه، ترجمه‌ی اعظم خاتم و دیگران، تهران: آگه.
- کتابی، محمود، بهجت یزد خواستی و زهرا فرخی‌راستایی، (۱۳۸۲). «توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه»، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، د ۱، ش ۷.
- لانگه، سارا، (۱۳۷۲). معیارهایی برای تواناسازی زنان، نقش زنان در توسعه، تهران: روشنگران.
- محمد پور، احمد، داریوش بوستانی و مهدی علیزاده، (۱۳۹۱). «ارزیابی کیفی عملکرد سازمان‌های بهزیستی و کمیته امداد در کاهش فقر زنان سرپرست خانوار شهر ساری»، رفاه اجتماعی، ش ۴۶.

◀ منتظر قائم، مهدی و مونا شعبان‌کاسه‌گر، (۱۳۹۴). «فضای سایبر و توانمندسازی زنان در ایران»، مطالعات رسانه‌های نوین، س ۱، ش ۳.

◀ واعظی، فهیمه، رضا اسماعیلی و اصغر محمدی، (۱۴۰۰). «واکاوی تجارب زیسته‌ی زنان سرپرست خانوار در مواجهه با رفتارهای پرخطر مطالعه‌ی زنان سرپرست خانوار شهر کرمان»، مطالعات راهبردی زنان، د ۲۴، ش ۹۴.

▶ Abayomi, A.; Abadat, A. (2014). "The Roles of Selected NGOs in Economic Empowerment of Rural Women in Ibadanland Nigeria". *Academy of Management Journal*. 39.

▶ Bennett, L. (2002). *Using Empowerment and Social Inclusion for Pro-poor Growth: A Theory of Social Change*. Working Draft of Background Paper for the Social Development Strategy Paper. Washington DC: World Bank.

▶ Beatley, T. (1995). "Planning and Sustainability: The Elements of a New (Improved) Paradigm". *Planning Literature*. 9(4).

▶ Dahal, S. (2013). "Power, Empowerment and Community radio: Media by and For Women in Nepal". *Women's Studies International Forum*. 5.

▶ Elsheikh, S.; S. Elamin (2013). "The Economic Empowerment of Urban Women in Sudan: Empirical Analysis". *American Academy of Business*. 19(1).

▶ Farrukh, N.; N. Akhtar (2014). "Perceptions of Education Women about the Role of Media in Women Empowerment". *European Scientific Journal*. 31.

▶ Garikipati, S. (2012). "Microcredit and Women's Empowerment: Through the Lens of Time-Use Data from Rural India". *Development and Change*. 43(3).

▶ Huis, M.A. et al. (2017). "A Three-Dimensional Model of Women's Empowerment: Implications in the Field of Microfinance and Future Directions". *Frontiers in Psychology*. 8.

▶ Mahmud, S.; N.M. Shah & S. Becker. (2012). "Measurement of women's empowerment in rural Bangladesh". *World Development*. 40(3).

▶ Mayoux, L. (2005). "Women's empowerment through sustainable microfinance: Rethinking 'Best Practice'". Online at: <http://lib.icimod.org/record/12082/files/3849.pdf>.

- ▶ Sargent, L.T. (1999). Contemporary Political Ideologies. Philadelphia: Fort Worth.
- ▶ Sharaunga, S.; M. Mudhara, & A. Bogale, (2016). "Effects of 'women empowerment' on household food security in rural KwaZuluNatal province". Development Policy. 34(2).
- ▶ UN Women Headquarters. (2022). Women's Empowerment Principles: Equality Means Business. United Nations Entity for Gender Equality and the Empowerment of Women (UN Women).
- ▶ Valerie, B. (1999). Feminist Debates. London: Macmillan.
- ▶ Verma, S. (2016). "Gender, Agriculture and Sustainable Development in India: Women's Marginalization or Empowerment". Third ISA Forum of Sociology. (July 10-14, 2016). Isaconf.
- ▶ World Commission on Environment and Development (WCED). (1987). Our Common Future.

